

ضمانت اجرای نقض تعهدات قراردادی به زیان اشخاص ثالث^۱

رضا فتوحی‌راد*

سید محمد مهدی قبولی درافشان**

سعید محسنی***

چکیده

با توجه به اصل اثر نسبی قرارداد و این که قرارداد اثباتاً یا نفیاً، حق یا تعهدی را نسبت به اشخاص ثالث جز در موارد استثنایی ایجاد نمی‌کند، این سؤال مطرح است که اگر نقض تعهد ناشی از قرارداد، زمینه‌ساز ورود زیان به اشخاص ثالث گردد، ایشان برای جلوگیری از بروز خسارت و یا مطالبه‌ی جبران خسارت به چه اقدام یا اقداماتی می‌توانند مبادرت نمایند؟ این جستار پس از بررسی فروض مختلف مسأله در این خصوص، به این نتیجه دست یافته است که در مواردی که تنها راه جلوگیری از ورود خسارت به اشخاص ثالث، الزام متعهد به اجرای قرارداد باشد، استفاده‌ی از این راه‌حل توسط ثالث با منعی روبرو نیست. به علاوه در صورت ورود زیان به ثالث، وی می‌تواند در صورت وجود شرایط لازم، از قواعدی چون غرور و تسبیب برای مطالبه‌ی خسارت از متعهد بهره‌گیری کند.

کلید واژه‌ها: نقض تعهد قراردادی، شخص ثالث، مسؤولیت مدنی، الزام به اجرای تعهد.

۱- تاریخ وصول: ۱۳۹۳/۲/۱۳ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۴/۶/۲۷

*دانش آموخته کارشناسی ارشد حقوق خصوصی، دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد، ایران

** دانشیار گروه حقوق، دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد، ایران (نویسنده مسؤول) ghaboli@um.ac.ir

*** دانشیار گروه حقوق، دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد، ایران

۱- مقدمه

در عرصه‌ی زندگی اجتماعی، تعهدات قراردادی دارای اهمیت ویژه است. گاهی تعهدات مزبور توسط متعهد نقض می‌گردد. به طور معمول نقض تعهدات قراردادی موجب خسارت به متعهدله می‌شود. اما زیان احتمالی ناشی از نقض تعهد، همیشه فقط به متعهدله قرارداد تحمیل نمی‌شود بلکه ممکن است به اشخاص ثالثی که در انعقاد قرارداد هیچ دخالتی نداشته‌اند، نیز خسارت وارد گردد.

طبیعی است متعهدله قرارداد از امکانات حقوقی گسترده‌ای برای جلوگیری از ورود خسارت به خویش و نیز جبران خسارت‌های خود برخوردار است. وی از سویی می‌تواند متعهد را الزام به اجرای تعهدات قراردادی نماید و از سوی دیگر در صورت نقض تعهدات قراردادی و ورود خسارت، می‌تواند جبران خسارت‌های خویش را مطالبه نماید.

حال سؤال این است که اگر نقض تعهدات قراردادی توسط متعهد، موجب زیان اشخاص ثالث گردد، آیا این اشخاص می‌توانند برای احتراز از ورود خسارت، الزام به اجرای تعهد را از متعهد مطالبه نمایند؟ در صورتی که نقض تعهد، خسارتی برای ایشان به بار آورد، وضع چگونه است؟ پاسخ به این سؤالات از این جهت دارای اهمیت است که بر اساس اصل نسبی بودن قرارداد، آثار قرارداد فقط گریبانگیر طرفین آن است و قرارداد جز در موارد استثنایی نمی‌تواند حق یا تعهدی را برای اشخاص ثالث ایجاد نماید. این جستار در صدد است با در نظر گرفتن شقوق مختلفی که به نقض قرارداد می‌انجامد و زیان اشخاص ثالث را به دنبال دارد، پاسخی شایسته برای سؤالات مزبور بیابد.

از آنجایی که نقض تعهد ممکن است در قالب انعقاد عمل حقوقی یا ارتکاب فعل مادی یا ترک فعل صورت پذیرد، شایسته است از سویی ضمانت اجرای نقض تعهد به وسیله‌ی عمل حقوقی که موجب زیان اشخاص ثالث گردیده، مطالعه شود (۲) و از سوی دیگر ضمانت اجرای نقض تعهد به وسیله‌ی عمل مادی یا ترک فعل، مورد بررسی قرار گیرد (۳). البته از آنجا که مسأله‌ی زیان وارد به مصرف‌کنندگان کالا و خدمات، از ویژگی‌های مربوط به خود برخوردار بوده و مستلزم تحقیقی مستقل می‌باشد، از قلمرو پژوهش حاضر خارج است (در این زمینه رک. کاتوزیان، ۱۳۸۱، ۱۶۴-۱۵۳؛ جعفری‌تبار، ۱۳۸۹، ۶۶-۳۹؛ جابری، ۱۳۸۶، ۱۲۳-۱۱۰).

۲- ضمانت اجرای نقض تعهد به وسیله‌ی عمل حقوقی

ممکن است تعهد ناشی از قرارداد به وسیله‌ی یک عمل حقوقی نقض گردد و عمل حقوقی مزبور در فرض اعتبار، موجب خسارت به اشخاص ثالث شود. به همین جهت این سؤال مطرح می‌شود که آیا وضعیت مزبور تأثیری بر اعتبار قرارداد دارد یا خیر. به دیگر سخن، باید دید آیا این که تعهد در اثر عمل حقوقی نقض گردیده و معتبردانستن عمل یادشده به زیان ثالث منجر می‌گردد، می‌تواند در تحلیل وضع حقوقی عمل مذکور تأثیرگذار باشد؟ همچنین باید دید که آیا مطالبه خسارت توسط شخص ثالثی که از نقض تعهد، زیان دیده است، امکان دارد؟

۲-۱- تأثیر نقض تعهد بر وضع حقوقی قرارداد منافی

چنانچه تعهدی به وسیله‌ی عمل حقوقی که به حال شخص ثالث زیان بار است، نقض گردد، باید دید که آیا عمل حقوقی مزبور از اعتبار کامل برخوردار است یا به دلیل تأثیر زیان بار نسبت به شخص ثالث، صحت یا نفوذ قرارداد مخدوش می‌گردد.

به نظر می‌رسد صرف تأثیر زیان بار عمل حقوقی که ناقض تعهد قراردادی است، نمی‌تواند قذحی به صحت عمل حقوقی مغایر وارد نماید. لیکن این مطلب به معنی اعتبار کامل عمل حقوقی مغایر نیست. زیرا ممکن است صحت عمل حقوقی مغایر به دلیل نقض تعهد پیشین، دچار چالش شود و وضعیت پیش آمده توسط ثالث زیان دیده قابل استناد باشد.

در بین حقوقدانان و فقیهان در خصوص وضع حقوقی عمل حقوقی ناقض تعهد، اختلاف نظر وجود دارد. در این میان حداقل در مواردی، برخی (محقق داماد، ۱۳۷۴، ۴۷-۴۴؛ محقق داماد، ۱۳۸۸، ۲۷۶-۲۷۴؛ عیسائی تفرشی و پورسید، ۱۳۷۹، ۱۱۰-۱۰۵؛ ایروانی غروی، ۱۴۲۱، ۳، ۳۰۰؛ طباطبایی یزدی، بی تا، ۱، ۱۲۲) با لفظی مطلق از بطلان قرارداد مغایر سخن گفته‌اند و برخی (میرزائزاد جویباری، ۱۳۸۹، ۵۷-۵۰؛ شهیدی، ۱۳۸۵، ۳۵-۳۲؛ نعمت‌اللهی، ۱۳۸۸، ۳۱) سخن از عدم نفوذ قرارداد مغایر به میان آورده‌اند. در مقابل برخی دیگر (جعفری لنگرودی، ۱۳۷۲، ۱، ۱۴۹؛ اصفهانی، ۱۴۱۸، ۵، ۲۰۱) عمل حقوقی مغایر را عاری از خدشه دانسته، آن را به صرف این که ناقض تعهد پیشین است، بی اعتبار نمی‌دانند. البته برخی از حقوقدانان (کاتوزیان، ۱۳۷۱، ۱، ۶۵-۶۳) نیز از قابلیت ابطال قرارداد مغایر سخن گفته‌اند. اصطلاح

اخیر از نظر مفهوم، متفاوت از بطلان مطلق و عدم نفوذ می‌باشد (در خصوص این مفاهیم، رک. قبولی درافشان و محسنی، ۱۳۹۱، ۲۹-۲۲).

پذیرش هر یک از نظرات چهارگانه فوق، می‌تواند بر وضعیت ثالثی که از عمل حقوقی مغایر، زیان دیده است، تأثیر متفاوت داشته باشد. طبیعی است در صورت پذیرش بطلان مطلق عمل حقوقی مغایر، شخص ثالث زیان دیده می‌تواند به آن استناد کند و منافع خویش را در این راستا مطالبه کند. در مقابل در صورت پذیرش صحت عمل حقوقی مغایر، باید گفت که ثالث زیان دیده، از آن سودی نمی‌برد و باید متوسل به ضمانت اجرای دیگر، یعنی مطالبه‌ی خسارت شود. اما در صورت اعتقاد به عدم نفوذ، شخص ثالث باید منتظر رد یا تنفیذ توسط متعهدله قرارداد اولیه بماند و در صورت رد آن توسط متعهدله به آن استناد نماید و منافع خویش را در این راستا مطالبه کند. لیکن چنانچه عمل حقوقی مزبور تنفیذ گردد، ثالث زیان دیده از آن، طرفی نخواهد بست. همچنین با پذیرش امکان ابطال قرارداد مغایر، باید گفت که امکان ابطال قرارداد مغایر به متعهدله اختصاص دارد. بنابراین ثالث زیان دیده باید منتظر ابطال آن توسط متعهدله باشد. در صورت ابطال قرارداد، ثالث امکان استناد به آن را پیدا می‌کند و در صورت عدم ابطال، ثالث ملزم به آثار صحت قرارداد خواهد بود.

برای انتخاب نظر صحیح باید گفت چنانچه عمل حقوقی جدید، تأثیری بر تعهد پیشین نداشته باشد، باید به صحت آن پایبند بود. لیکن چنانچه عمل حقوقی جدید، ناقض تعهد ناشی از قرارداد پیشین باشد، باید نظر به عدم نفوذ قرارداد منافی داد و برای متعهدله قرارداد پیشین حق رد و تنفیذ قائل شد. زیرا حق متعهدله نسبت به مورد تعهد ایجاب می‌نماید که هرگونه تصرفی که زمینه‌ی اجرای تعهد را از بین برد، جز با رضایت ذی‌حق، فاقد اثر باشد. توضیح این که متعهدله قرارداد نسبت به موضوع تعهد دارای حقی است که باید محترم شمرده شود و لازمه احترام به حق مزبور این است که اعمال حقوقی مغایر با آن دارای نفوذ حقوقی نباشد. جالب توجه است که برخی از فقیهان (انصاری، ۱۴۱۵، ۶، ۷۰؛ طباطبایی یزدی، ۱۴۲۱، ۲، ۱۳۰) در مسئله‌ای مشابه (مسئله شرط ضمن عقد) سخن از مالکیت مشروطه نسبت به عمل مورد شرط در ذمه مشروط‌علیه به میان آورده‌اند. به همین ترتیب در مانحن فیه می‌توان مشروط‌علیه قرارداد پیشین را مالک تعهدی دانست که بر ذمه مشروط‌علیه قرار دارد. حتی اگر مالکیت پیش‌گفته را مورد پذیرش قرار نگیرد، می‌توان همچون برخی دیگر از فقیهان (اصفهانی، ۱۴۱۸، ۵، ۲۰۲)، از وجود حق نسبت به عمل مورد

شرط، برای مشروطه سخن گفت. در هر حال با توجه به این که در اثر قرارداد معارض، مالکیت یا حق مسلم متعهدله قرارداد پیشین مورد تعرض و نقض قرار می گیرد، نفوذ قرارداد در گرو تنفیذ وی خواهد بود. به علاوه برخی (نعمت‌اللهی، ۱۳۸۸، ۲۲) نیز در بحثی مشابه (مسأله تخلف از شرط ضمن عقد)، برای عدم نفوذ تصرفات منافی، به اصل لزوم استناد نموده‌اند. به اعتقاد ایشان، در صورتی که تصرف منافی صحیح دانسته شود، تصرف مزبور به معنای نادیده گرفتن قرارداد و فسخ عملی قسمتی از عقد به وسیله‌ی متعهد است و این امر با اصل لزوم عقد و ممنوعیت و بی‌اثر بودن چنین فسخی ناسازگار است. هرچند به نظر می‌رسد تعبیر فسخ در این بیان با مسامحه به کار رفته، لیکن در هر حال نقض چنین تعهداتی با لزوم پایبندی به تعهدات قراردادی در تنافی است.

همچنین در فرضی که متعهد در مقام نقض قرارداد با شخصی اقدام به انعقاد قرارداد منافی می‌نماید که از موضوع نقض تعهد آگاه است، می‌توان از قاعده نفی ضرر برای توجیه عدم نفوذ قرارداد منافی استفاده نمود. توضیح این که نفوذ قرارداد منافی با تعهدات قراردادی، حکمی ضرری و به زیان ثالث محسوب شده که بر اساس قاعده نفی ضرر، قابل رفع است. چرا که بنابر نظر مشهور فقهی (انصاری، ۱۴۱۴، ۱۱۶؛ نائینی، ۱۴۲۱، ۳، ۳۸۲؛ موسوی بجنوردی، ۱۴۱۹، ۱، ۲۱۸-۲۱۹) قاعده لاضرر نافی احکام ضرری است. بدیهی است در این صورت زیان طرف قرارداد ناشی از رد قرارداد غیرنافذ قابل اعتنا نیست. زیرا وی با آگاهی و علیه خود اقدام به انعقاد قرارداد غیرنافذ نموده است. بنابراین باید نظر به عدم نفوذ قرارداد منافی مورد بحث قرار داد.

در مورد مصادیق و مواردی که تصرفات حقوقی، منافی با تعهد محسوب می‌گردد، باید گفت، به طور معمول در مواردی که تعهد پایگاه عینی دارد، قراردادی که زمینه اجرای تعهد را از بین می‌برد، با تعهد یادشده منافات دارد. به عنوان نمونه چنانچه در قولنامه‌ای، متعهد در برابر متعهدله تعهد به فروش عین معینی نموده باشد، تعهد متعهد پایگاه عینی دارد. به دیگر سخن، تعهد متعهد باید از محل عین معینی ایفاء شود. چرا که آن عین متعلق حق غیر قرار گرفته و متعهد با قبول این تعهد سلطه‌ی خویش را نسبت به عین محدود نموده است. بنابراین قرارداد ناقل مالکیت عین به شخص ثالث، منافی تعهد مزبور به‌شمار می‌رود.

همچنین در فرضی که شخص تعهد به انجام کاری در مدت خاص به صورت مباشرت می‌نماید، تعهد بعدی وی به خدمت برای شخص ثالث در همان مدت، منافی با تعهد پیشین است. به عنوان نمونه چنانچه

کارمند دولت که متعهد به حضور در ساعات اداری در محل خدمت می‌باشد، قراردادی منعقد نموده و به موجب آن متعهد شود که در همان ساعات، مباشرتاً برای دیگری خدماتی انجام دهد، تعهد جدید وی منافی تعهد سابق بوده، غیر نافذ خواهد بود. لیکن چنانچه هر یک از تعهدات موصوف، فاقد قید مباشرت باشد، نباید در صحت عمل حقوقی جدید تردید کرد. به عنوان نمونه چنانچه پیمان کاری تعهد کند که کار مشخصی را ظرف مدت معینی انجام دهد، ایجاد تعهد دیگر، در همان بازه زمانی ضرورتاً منافی تعهدات پیشین نخواهد بود. زیرا پیمان کار مزبور می‌تواند یکی از دو تعهد را توسط شخص دیگری انجام دهد.

۲-۲- مطالبه‌ی خسارت

در اثر نقض تعهدات قراردادی ممکن است به اشخاص ثالث زیان وارد شود. بنابراین باید امکان مطالبه‌ی خسارت توسط ثالث را بررسی نمود. در این باره باید گفت، گاهی ثالث در نقض قرارداد توسط متعهد هیچ گونه دخالتی ندارد و متعهد خود به تنهایی قرارداد و تعهد خویش را نقض می‌کند. اما گاهی اوقات نیز ثالث در نقض تعهد، دخالت نموده و در این خصوص به متعهد کمک می‌نماید. بنابراین باید این دو مورد را از یکدیگر تفکیک نموده و هر کدام را جداگانه بررسی نمود. در این راستا ابتدا مطالبه‌ی خسارت در فرضی که ثالث در نقض قرارداد دخالت نکرده است، مورد بررسی قرار گرفته، سپس مطالبه‌ی خسارت در فرضی که ثالث در نقض قرارداد دخالت داشته، مطالعه می‌شود.

۲-۲-۱- عدم دخالت ثالث در نقض قرارداد

ممکن است بدون این که اشخاص ثالث در نقض تعهدات قراردادی مداخله داشته باشند، تخلف از تعهد توسط متعهد، موجب خسارت ایشان گردد. به عنوان نمونه به موجب قراردادی، بایع بر خریدار شرط می‌کند که کالای مورد نظر را به مدت یک ماه مورد فروش قرار ندهد. هدف وی از این شرط جلوگیری از رقابتی است که موجب اضرار به وی خواهد شد. لیکن خریدار، خلاف تعهد خود عمل نموده و کالا را می‌فروشد. حال ممکن است شخص دیگری نیز در بازار وجود داشته باشد که آن کالا را دارا باشد و به واسطه‌ی این نقض تعهد توسط خریدار، و در نتیجه کاهش قیمت‌ها، وی نیز متضرر گردد.

در این جا دو سؤال مطرح می‌شود: نخست این که آیا شخص ثالث می‌تواند از متعهد نقض‌کننده‌ی تعهد خسارت بگیرد؟ دوم این که بر فرض مسؤولیت، ماهیت مسؤولیت متعهد متخلف در برابر ثالث از نوع مسؤولیت قهری است یا قراردادی؟

در مورد امکان دریافت خسارت توسط ثالث زیان‌دیده باید گفت، بعضی (شهیدی، ۱۳۸۶، ۳، ۳۵۸) معتقدند از آن جایی که در قرارداد، هیچ‌گونه تعهدی به نفع ثالث رخ نداده است و قصد طرفین این نبوده که برای ثالث حقی قائل شوند، در نتیجه وی نمی‌تواند مطالبه‌ی خسارت کند.

در پاسخ ممکن است گفته شود، هرچند ثالث در قرارداد هیچ نقشی نداشته و جزء طرفین قرارداد نبوده است، اما قرارداد یک پدیده‌ی حقوقی و اجتماعی است و ثالث نسبت به واقعه‌ی عقد یا زیانی که از آن متوجه وی می‌شود، بیگانه نمی‌باشد. بنابراین ثالث می‌تواند علیه متخلف قراردادی طرح دعوی مسؤولیت قهری کند. مبنای این دعوی قاعده قابلیت استناد قرارداد است. چرا که به موجب قاعده مذکور ثالث نسبت به اثر قهری عقد بیگانه نمی‌باشد و اگر به واسطه‌ی نقض قرارداد به ثالث زیانی وارد شود، وی می‌تواند به قرارداد استناد نماید و دعوی مسؤولیت قهری اقامه نماید (فلور، اوبر و ساوو، ۲۰۰۲، ۳۲۷).^۱

در نقد این نظر نیز باید گفت، قابلیت استناد ثالث به نقض قرارداد، این قابلیت را ندارد که موجب دریافت خسارت توسط ثالث زیان‌دیده شود. همچنین ورود قرارداد به عرصه‌ی اجتماع تلازمی با ورود زیان به اشخاص ثالث ندارد. بنابراین به نظر می‌رسد برای جبران خسارت اشخاص ثالث زیان‌دیده، باید راه حل دیگری را جستجو نمود. در این راستا قاعده غرور و تسبیب می‌تواند کارگشا باشد.

به موجب قاعده‌ی غرور چنانچه شخصی باعث فریب دیگری شود و از این راه به او زیان وارد شود، شخص مغرور می‌تواند به غار رجوع نماید (نجفی، ۱۴۰۴، ۴۳، ۱۴۶؛ شهید ثانی، ۱۴۱۰، ۷، ۳۳؛ حسینی مراغی، ۱۴۱۸، ۲، ۴۴۱؛ طباطبایی یزدی، ۱۴۲۱، ۱، ۱۷۹؛ فاضل لنگرانی، ۱۴۱۶، ۲۱۵؛ آل کاشف‌الغطاء، ۱۳۵۹، ۱، ۸۷؛ کاشف‌الغطاء، ۱۴۲۲، ۶۸؛ نراقی، ۱۴۱۵، ۱۴، ۲۹۶؛ حسینی عاملی، ۱۴۱۶، ۱۳، ۸۵۱؛ محقق ثانی، ۱۴۱۴، ۴، ۲۶۳؛ فخرالمحققین حلی، ۱۳۸۷، ۲، ۳۵۱؛ علامه حلی، ۱۴۱۴، ۱۵، ۱۴۵؛ موسوی بجنوردی، ۱۴۱۹، ۱، ۲۷۰-۲۶۹؛ بهرامی احمدی، ۱۳۸۸، ۶۶؛ صفایی و رحیمی، ۱۳۸۹، ۱۸۹). برای دریافت خسارت به استناد قاعده غرور در مسئله مورد بحث، باید گفت که اگر اشخاص ثالث به اعتماد معقولی که به قرارداد داشته‌اند، اقدام به عملی نمایند ولی متعهد قرارداد، نقض تعهد نموده و از این راه به

1- Flour, Aubert et Savaux, Les obligations, p. 327.

اشخاص ثالث زیان وارد شود، اشخاص ثالثی که در اثر اقدام متعهد نقض‌کننده‌ی قرارداد، فریب خورده‌اند، می‌توانند به متعهد رجوع نموده و خسارت دریافت نمایند. به عنوان نمونه به موجب قراردادی اشخاصی تعهد کرده‌اند که در محل معینی بازاری برای فروش پارچه دایر نمایند. اما تمام غرفه‌های بازار به پارچه فروشی اختصاص نمی‌یابد (نقض تعهد) و اکثر غرفه‌ها برای مشاغل دیگری اجاره داده می‌شود. نقض تعهد، موجب زیان اشخاصی می‌شود که به واسطه‌ی اعتماد به قرارداد اولیه، غرفه‌ای را به منظور فعالیت در صنف پارچه‌فروشان اجاره نموده‌اند.

اما در مورد دریافت خسارت به استناد تسبیب، باید گفت هرگاه عمل شخصی با واسطه زمینه‌ساز ورود خسارت به دیگری گردد به گونه‌ای که عرف ورود زیان را منتسب به عمل مزبور بداند، سبب مسؤول خواهد بود. این مسأله در متون فقهی (مصطفوی، ۱۴۲۳، ۱۲۰؛ سیفی مازندرانی، ۱۴۲۷، ۲۰۶؛ بروجردی، ۱۴۱۳، ۱۷۴؛ موسوی بجنوردی، ۱۴۱۹، ۲، ۳۱-۳۳؛ مکارم شیرازی، ۱۴۱۸، ۲، ۲۰۵؛ نائینی، ۱۴۲۱، ۳، ۳۸۲؛ موسوی خمینی، ۱۴۰۹، ۲، ۱۹۰؛ موسوی گلپایگانی، ۱۴۱۴، ۲، ۲۶۰-۲۵۹) تحت عنوان اتلاف بالتسبیب از موجبات مسؤولیت دانسته شده است و قانون مدنی نیز در ماده ۳۳۱ تحت عنوان تسبیب از آن سخن گفته است. در هر حال در بحث حاضر باید گفت که متعهد، با نقض تعهد خویش، سبب ورود خسارت به اشخاص ثالث می‌شود. بنابراین اشخاص ثالث با احراز رابطه سببیت بین فعل زیانبار و زیان وارد شده با استناد به قاعده پیش گفته، می‌توانند به متعهد رجوع نموده و خسارت دریافت نمایند.

در رابطه با نوع مسؤولیت نیز باید گفت، مسؤولیت متعهد متخلف در برابر ثالث از نوع مسؤولیت قهری است. زیرا میان زیان‌دیده‌ی ثالث و متعهد متخلف، قراردادی در بین نمی‌باشد (در این باره رک. ژوردن، ۱۳۸۲، ۴۸؛ اسدی، ۱۳۸۶، ۱۵۱).

۲-۲-۲- دخالت ثالث در نقض قرارداد

در نقض تعهد به موجب عمل حقوقی که موجب ورود خسارت به شخص ثالث می‌گردد، ممکن است خود شخص ثالث نیز دخالت داشته باشد. توضیح این که ممکن است شخص ثالث خود طرف قراردادی واقع شود که به موجب آن تعهد اولیه نقض شده است. به عنوان نمونه به موجب قراردادی، شخصی در برابر دیگری تعهد نموده است که ملک خویش را به او بفروشد. اما متعهد، خلاف تعهد قراردادی خود عمل

نموده و ملک را به ثالث می‌فروشد. با توجه به نظریه‌ی برگزیده (تأثیر نقض تعهد بر وضع حقوقی قرارداد منافی) و رد معامله‌ی منافی، به هر حال به شخص خریدار (ثالث) زیان وارد می‌شود. حال باید دید چنانچه در سرنوشت قراردادی که در راستای نقض تعهد منعقد گردیده، خللی ایجاد گردد و از رهگذر آن به ثالث که یکی از طرفین آن قرارداد است زیان وارد آید، آیا امکان مراجعه‌ی ثالث به متعهد برای جبران خسارت‌های مزبور وجود دارد یا خیر؟

برای پاسخ به این سؤال باید میان فرض علم و جهل ثالث نسبت به نقض تعهد قراردادی تفکیک نمود. به نظر می‌رسد چنانچه ثالث به تعهد قراردادی آگاه بوده و می‌دانسته که با انعقاد قرارداد با متعهد قرارداد پیشین، موجب نقض تعهدات قرارداد مزبور می‌گردد، حق مطالبه‌ی خسارت ناشی از بطلان یا ابطال قرارداد خویش که منافی با تعهدات قرارداد پیشین است، نخواهد داشت. زیرا وی علیه خویش اقدام نموده و با دخالت در نقض قرارداد پیشین رابطه‌ی سببیت میان عمل زیانبار و زیان وارد شده به خویش را قطع نموده است. اما چنانچه ثالث از وجود تعهد قراردادی پیشین و نقض آن به موجب قراردادی که وی منعقد می‌کند، ناآگاه باشد، امکان مطالبه‌ی خسارت از متعهد متخلف وجود دارد. در واقع فرض اخیر همانند موردی است که ثالث در نقض قرارداد دخالت نداشته باشد. بنابراین بسته به مورد به استناد قاعده‌ی غرور یا تسبیب می‌توان سخن از مسؤولیت مدنی ناقض تعهدات در قبال شخص ثالث به میان آورد.

۳- ضمانت اجرای نقض تعهد به وسیله‌ی عمل مادی یا ترک فعل

ممکن است نقض تعهدات قراردادی از راه عمل مادی مثبت یا منفی صورت گیرد. حال در این فرض نیز از سویی امکان الزام متعهد به اجرای تعهد توسط ثالث قابل بررسی است. از سوی دیگر ممکن است به واسطه‌ی نقض تعهد، به ثالث، خسارت وارد شود، بنابراین بررسی امکان مطالبه‌ی خسارت توسط ثالث نیز بایسته است.

۳-۱- بررسی امکان الزام متعهد به اجرای تعهد توسط ثالث

ممانعت از انجام تعهدات قراردادی توسط متعهد می‌تواند زمینه‌ساز ورود زیان به اشخاص ثالثی گردد که نسبت به قرارداد بیگانه هستند. برای مثال شخصی با پیمانکاری، قراردادی مبنی بر احداث یک مجموعه‌ی ساختمانی منعقد نموده است. حال چنانچه پیمانکار، تعهدات قانونی و قراردادی مبنی بر ساخت اصولی و منطبق بر مقررات فنی و مهندسی ساختمان را رعایت ننماید، زمینه‌ای برای ورود خسارت به

املاک مجاور فراهم آمده است. زیرا استمرار وضعیت مزبور می‌تواند موجب فروریختن ساختمان‌های مجاور و ورود خسارت به همسایگان گردد.

مثال دیگر این‌که در قرارداد بین شرکت آب و فاضلاب و پیمانکار، پیمانکار متعهد شده است که مراحل طراحی و اجرای شبکه‌ی فاضلاب منطقه‌ی معینی را به عهده بگیرد. اما پیمانکار پس از اجرای قسمتی از پروژه، باقیمانده‌ی آن را در زمان معین انجام نمی‌دهد. استمرار این نقض تعهد می‌تواند مردم را دچار زیان نماید. به این صورت که به علت انباشته‌شدن خاک و گل و لای بیش از حد در معابر و سایر تبعات نامطلوب ناشی از آن، به اهالی محل خسارات مختلفی از جمله مخاطرات بهداشتی و مشکلات تردد، وارد آید.

مثال دیگر این‌که به موجب قراردادی بین وزارت نیرو و پیمانکار، تعهد به احداث سد بر روی رودخانه‌ی معینی به عهده‌ی پیمانکار قرار گرفته است. چنانچه پیمانکار، نقض تعهد نماید و در موعد مقرر، سد را نسازد، ممکن است در نتیجه‌ی بارندگی شدید و عدم تکمیل سد، سیل جاری شده و باغ‌ها و مزارع پایین دست آسیب ببینند (شهیدی، ۱۳۸۶، ۳، ۳۵۸).

همچنین است در مورد ساختمانی که مالک، پشت بام آن را به دیگری فروخته و در قرارداد، شرط نموده است که خریدار بیش از یک طبقه بر روی آن نسازد اما وی خلاف آن عمل نموده و دو طبقه احداث می‌کند. در این‌جا ممکن است به اشخاص ثالثی که در واحدهای دیگر آپارتمان هستند نیز زیان وارد شود. به عنوان نمونه ساختمان با ساختن یک طبقه‌ی اضافی در برابر زلزله تحمل خود را از دست داده و احتمال ویران شدن آن زیاد است.

در خصوص مثال‌های فوق و موارد مشابه باید توجه داشت که تعهد ممکن است در قرارداد ذکر گردیده یا قانون و یا عرف بر آن دلالت نماید. در خصوص تعهدات عرفی و قانونی ماده ۲۲۰ قانون مدنی مقرر نموده: «عقود نه فقط متعاملین را به اجرای چیزی که در آن تصریح شده است ملزم می‌نماید بلکه متعاملین به کلیه نتایجی هم که به موجب عرف و عادت یا به موجب قانون از عقد حاصل می‌شود ملزم می‌باشند». لذا طبق این ماده باید گفت که تعهداتی که طبق عرف و قانون بر قرارداد مترتب می‌شود نیز جزء تعهدات طرفین قرارداد است، هرچند طرفین به آن آگاه نباشند.

حال سؤال این است که آیا در همه‌ی موارد پیش‌گفته و مانند آن، اشخاصی که ممکن است در اثر عدم اجرای تعهد توسط متعهد، دچار زیان گردند و طرف قرارداد نیز محسوب نمی‌شوند، می‌توانند الزام

متعهد به انجام تعهد را مطالبه نمایند؟ به ویژه این که در این موارد دریافت خسارت، تنها ضرری را که فعلاً بر اشخاص ثالث وارد شده، جبران می‌کند و منشاء ضرر همچنان باقی بوده و کماکان به طور بالقوه امکان ورود زیان به ایشان وجود دارد.

در پاسخ باید گفت از سویی ممکن است تعهدات به حکم عرف یا قانون یا حتی قرارداد برای حمایت از اشخاص ثالث بر عهده‌ی متعهد قرار داده شده باشد. در چنین مواردی، اشخاص ثالث خود متعهدله محسوب گردیده و از این رو امکان الزام متعهد به اجرای تعهد وجود خواهد داشت و بدین وسیله از ورود خسارت به ایشان جلوگیری به عمل می‌آید. از سوی دیگر در مواردی ممکن است شخص ثالث متعهدله محسوب نگردد. لیکن در عین حال فعل مثبت یا منفی متعهد در راستای نقض تعهد، موجب زیان وی شود. در چنین مواردی نیز باید گفت اگر تنها راه ممانعت از ورود زیان، الزام متعهد به اجرای تعهداتش باشد، باید این حق را برای شخص ثالث به رسمیت شناخت. زیرا وارد نمودن زیان به دیگران ممنوع بوده و هر شخصی منطقی حق دارد با اقداماتی که موجب زیان وی می‌گردد، مقابله نموده و مانع ورود زیان به خویش گردد. به ویژه باید توجه نمود که در این موارد عدم انجام تعهد توسط متعهد، عامل ورود خسارت به شخص ثالث خواهد بود. به دیگر سخن خسارت بعدی منتسب به متعهدی خواهد بود که نقض تعهد نموده است.

البته ممکن است گفته شود برای اقامه دعوی در خصوص الزام به اجرای تعهد، خواهان باید ذینفع باشد و همان گونه که برخی از حقوقدانان (شمس، ۱۳۸۹، ۱، ۲۸۵-۲۸۳؛ متین‌دفتری، ۱۳۸۱، ۱ و ۲، ۲۱۴-۲۱۱؛ صدرزاده افشار، ۱۳۸۷، ۳۳) بیان داشته‌اند، نفع مزبور باید حقوقی و مشروع، شخصی و مستقیم، به وجود آمده و باقی باشد. منظور از عبارت شخصی و مستقیم نیز این است که «با فرض صدور حکم علیه خوانده نفع مستقیماً متوجه به شخص خواهان باشد» (کریمی، ۱۳۸۶، ۷۶). این در حالی است که ثالث نسبت به قرارداد بیگانه محسوب می‌شود.

در پاسخ باید گفت شخص ثالث در از بین بردن منشأ ضرر، دارای نفع فعلی و منجز است و از بین بردن منشأ ضرر از راه الزام متعهد به اجرای تعهد، امکان‌پذیر است. به علاوه در همه‌ی موارد، اقامه دعوی درباره‌ی نفع آتی منتفی نیست و قانونگذار در موارد متعدد، دعاوی پیشگیرانه را مقرر نموده است. مقررات دستور موقت، نمونه بارز پیشگیری از وقوع خسارت ناروا است. همچنین ماده ۲۱۸ مکرر قانون مدنی در رابطه با توقیف اموال مدیونی که قصد فرار از دین را دارد، ماده ۱۰۸ قانون آیین دادرسی مدنی در رابطه با تأمین خواسته قبل از اقامه‌ی دعوی اصلی و ماده ۱۱۴ در رابطه با تأمین خواسته نسبت به طلب مؤجل یا

مال معینی که هنوز موعد تسلیم آن فرا نرسیده است، مؤید مطلب فوق است. همان‌گونه که ملاحظه می‌شود و برخی از حقوقدانان (شمس، ۱۳۸۹، ۳، ۳۶۷) در زمینه‌ی دستور موقت بیان نموده‌اند، منطبق حاکم بر این مقررات، پیشگیری از بروز خسارت بوده و این‌گونه مقررات می‌تواند موجب شود که زمینه‌ی اجرای حکمی که خواهان پس از فرآیند طولانی دادرسی و صرف وقت و هزینه‌ی بسیار به دست خواهد آورد از بین نرفته و در نتیجه حکم مزبور نوشداروی پس از مرگ سهراب نشود.

در همین راستا دکتربین حقوقی نیز حق پیشگیری را به رسمیت شناخته و این سخن را که نفع باید فعلیت داشته باشد (یعنی ابتدا ضرر وارد شود تا بتوان اقامه‌ی دعوی کرد)، نپذیرفته است. در این میان، برخی (متین دفتری، ۱۳۸۱، ۱ و ۲، ۲۱۲-۲۱۱؛ مدنی، ۱۳۷۶، ۴۱۲) معتقدند لازمه‌ی نفع این نیست که حتماً زیانی به فرد رسیده باشد تا امکان مطالبه وجود داشته باشد. بلکه اگر فرد ضرر را در آینده محتمل بداند و از همین الان بخواهد خود را در برابر ضرر آینده تجهیز کند، نفع در این دعوی که به منظور تجهیز اقامه شده است، فعلیت دارد.

در حقوق فرانسه نیز به رغم این که اصولاً حال و محقق بودن نفع از شرایط لازم برای اقامه دعوی می‌باشد، لیکن در موارد متعددی قانون‌گذار، اقامه دعوی پیشگیرانه را مجاز دانسته است (کوشه، ۱۹۹۸، ۹۲).

بنابراین با توجه به وجود نفع در این دعاوی و قابلیت استناد قرارداد و منع سوء استفاده از حق، باید گفت در صورتی که به موجب قانون، عرف یا قرارداد، تعهدی به نفع شخص ثالث زیان‌دیده، شده باشد، ثالث می‌تواند متعهد را به اجرای تعهد الزام کند. همچنین در فرضی که تعهد، مستقیماً به نفع شخص ثالث مقرر نگردیده، لیکن عدم انجام تعهد موجب خسارت به شخص ثالث گردد و تنها راه پیشگیری از خسارت، الزام متعهد به انجام تعهد باشد، باید ثالث را در الزام به انجام تعهد ذی‌نفع دانست.

۳-۲- مطالبه‌ی خسارت

در زمینه‌ی مطالبه‌ی خسارت توسط اشخاص ثالث باید میان دو فرض قائل به تفکیک شد. چنانچه تعهد قراردادی به گونه‌ای به نفع شخص یا اشخاص ثالث باشد، تردیدی در امکان مطالبه‌ی خسارت توسط

1- Couches, procédure civile, p. 92.

ثالث از متعهد نیست. لیکن بحث در مورد فرضی است که تعهد نقض شده به نفع شخص ثالث ایجاد نگردیده است. در این فرض، در خصوص امکان مطالبه‌ی خسارت توسط ثالث، میان نویسندگان حقوقی اختلاف نظر وجود دارد.

برخی از حقوقدانان (شهیدی، ۱۳۸۶، ۳، ۳۰۸ و ۳۰۷) معتقدند که اشخاص ثالث زیان‌دیده از عدم اجرای قرارداد، امکان مطالبه‌ی خسارت از متعهد متخلف را ندارند. زیرا تعهد نقض شده به نفع ایشان مقرر نگردیده است. در مقام بررسی این نظر می‌توان گفت چنانچه مقصود نفی مسؤولیت قراردادی متعهد در مقابل ثالث باشد، می‌توان قائل به پذیرش نظر مزبور شد. لیکن اگر مقصود نفی هرگونه مسؤولیت متعهد در مقابل ثالث باشد، نظر مذکور قابل پذیرش نیست. زیرا اضرار به غیر، خود بر اساس مبانی مسؤولیت مدنی قابل تعقیب است (برای ملاحظه نظر مشابه، رک. اسدی، ۱۳۹۰، ۹۱). در واقع هر کس به دیگری زیانی وارد نماید و مجوزی برای ورود زیان نداشته باشد، ممکن است بر حسب مورد بر اساس قواعد اتلاف، تسبیب، تقصیر، نفی ضرر و... مسؤول قلمداد گردد. جالب توجه است همان‌گونه که برخی از فقیهان (آل کاشف‌الغطاء، ۱۳۵۹، ۲، ۱۵۰-۱۴۸؛ حسینی مراغی، ۱۴۱۸، ۱، ۳۳۵؛ خوئی، ۱۳۸۶، ۲، ۵۶۷) نیز بیان نموده‌اند، در صورتی که ضرر منتسب به شخصی باشد، مشروع بودن تصرف وی نیز ضمان را منتفی نمی‌نماید. بنابراین آنچه که مهم است منتسب بودن ورود زیان به عامل زیان است. در بحث حاضر نیز چنانچه ورود زیان به ثالث، منتسب به نقض‌کننده‌ی قرارداد باشد، نقض‌کننده‌ی قرارداد مسؤولیت خواهد داشت. همچنین باید گفت اصولاً برای صدق عناوین افعال، قصد لازم نیست (موسوی بجنوردی، ۱۴۱۹، ۱، ۲۶۹؛ صافی گلپایگانی، ۱۴۲۳، ۱، ۲۲۷-۲۲۹؛ طاهری، ۱۴۱۸، ۲، ۲۵۶). بنابراین چنانچه در اثر نقض تعهد توسط متعهد، خسارتی به اشخاص ثالث وارد شود، شخصی که خسارت به وی منتسب است، مسؤول جبران خسارت خواهد بود اعم از این که در ورود خسارت قصد داشته یا نداشته باشد.

به علاوه در تأیید مسؤولیت نقض‌کننده‌ی تعهد در قبال ثالث زیان‌دیده می‌توان به قانون حمایت از حقوق مصرف‌کنندگان مصوب ۱۳۸۸/۷/۱۵ استناد نمود. در این قانون عرضه‌کنندگان کالا و خدمات در قبال خسارات وارده به مصرف‌کننده که حتی ممکن است با او هیچ قراردادی نداشته باشند، مسؤول شناخته شده‌اند. از ماده ۱۸ این قانون می‌توان در راستای مطالبه‌ی خسارت در نقض تعهدات قراردادی و ورود زیان به اشخاص ثالث استفاده نمود. به موجب این ماده، «چنانچه کالا یا خدمات عرضه شده توسط عرضه‌کنندگان کالا یا خدمات معیوب باشد و به واسطه آن عیب، خسارتی به مصرف‌کنندگان وارد گردد، متخلف

علاوه بر جبران خسارات، به پرداخت جزای نقدی حداکثر تا معادل چهار برابر خسارت محکوم خواهد شد.^۱ به نظر می‌رسد بر اساس این ماده، حداقل در مواردی که عرضه‌کننده کالا به رغم آگاهی از عیب کالا، آن را در اختیار خریدار می‌گذارد و وی را آگاه نمی‌نماید، مرتکب تقصیر شده و به عنوان سبب اقوی مسؤول خسارت‌های وارد بر خریدار و اشخاص ثالث خواهد بود.

گفتنی است مسأله مطالبه خسارت توسط ثالث زیان‌دیده، در نظام‌های حقوقی دیگر نیز دارای سابقه است. به عنوان نمونه در رویه قضایی فرانسه دعاوی مختلفی در این ارتباط طرح شده و محاکم عالی فرانسه دعاوی اشخاص ثالث را مورد پذیرش قرار داده‌اند. در این نظام حقوقی، در پرونده‌ای، بیمارستان، تعهدات قراردادی خویش در مقابل بیماری را نقض نموده بود. در اثر نقض تعهدات قراردادی مزبور بیمار وفات یافته و از این رهگذر به شوهر و دختر بیمار، خسارت معنوی وارد آمده بود. دیوان عالی کشور فرانسه مطالبه خسارت توسط شوهر و دختر (به عنوان اشخاص ثالث نسبت به قرارداد) را مورد پذیرش قرار داد (ژوردن^۱، ۱۳۸۲، ۲۰۰-۱۹۸). همچنین در پرونده‌ای، تعمیرکاری، تعهد قراردادی خویش در برابر مالک اتومبیل در خصوص تعمیر اتومبیلی را به درستی اجرا ننموده بود. همین امر موجب تصادف و در نتیجه زیان عابر پیاده شده بود. دیوان عالی کشور فرانسه، دعوی مسؤولیت مدنی عابر پیاده علیه تعمیرکار را به رغم فقدان رابطه قراردادی مورد پذیرش قرار داده است (مارتی و رینو، ۱۹۹۸، ۱، ۵۰۰).

۴- نتیجه‌گیری

هرچند قرارداد دارای اثر نسبی است و نسبت به اشخاص ثالث اثری ندارد، لیکن از سویی قرارداد دارای قابلیت استناد است و از سوی دیگر نقض تعهدات ناشی از آن می‌تواند به مثابه یک واقعه‌ی حقوقی، موجب ورود زیان به اشخاص ثالث گردد. این نقض تعهد قراردادی، ممکن است در قالب انعقاد عمل حقوقی که با تعهد مزبور منافی است، صورت پذیرد یا این که متعهد با ارتکاب فعل مادی یا با ترک فعل، تعهد قراردادی خویش را نقض نماید. چنانچه تعهد قراردادی با انعقاد عمل حقوقی نقض گردد، در مورد وضع عمل حقوقی مزبور اختلاف وجود دارد لیکن اعتقاد به عدم نفوذ عمل حقوقی اقوی است. در این صورت اگر عمل حقوقی توسط متعهدله رد شود، شخص ثالث که نسبت به نقض تعهد ناآگاه بوده است

1 - Jourdain

2 - Marty et Raynaud, Droit civil, les obligations, T. 1, p. 500

می‌تواند برای خسارت‌های خود به متعهد مراجعه نماید.

چنانچه تعهد قراردادی با فعل مادی یا ترک فعل نقض گردد و نقض مزبور زمینه‌ساز ورود خسارت به اشخاص ثالث گردد، سخن از الزام متعهد توسط شخص ثالث به انجام تعهد مطرح می‌شود. البته ثالث در صورتی می‌تواند الزام متعهد به انجام تعهد را درخواست نماید که تعهد به نفع شخص ثالث بر قرار شده باشد یا اگر تعهد به نفع ثالث صورت نگرفته، الزام متعهد به انجام تعهد، تنها راه پیشگیری از ورود خسارت باشد. در هر حال اعم از نقض تعهد به وسیله‌ی عمل حقوقی یا فعل مادی یا ترک فعل، ثالثی که از نقض تعهد زیان دیده است، می‌تواند مطالبه جبران خسارت نماید. البته مسؤولیت مدنی نقض‌کننده تعهد در برابر ثالث زیان‌دیده باید با یکی از مبانی مسؤولیت مدنی همچون تسبیب و غرور تطبیق داده شود.

فهرست منابع

- ۱- آل کاشف الغطاء، محمد حسین، (۱۳۵۹)، تحریرالمجله، جلد ۱ و ۲، قسم ۱، المكتبه المرتضویه، نجف اشرف، چاپ اول.
- ۲- اسدی، محمد حسن، (۱۳۸۶)، اصل قابلیت استناد قرارداد در فقه امامیه، حقوق ایران و حقوق فرانسه، معارف اسلامی و حقوق، شماره اول.
- ۳- اسدی، محمد حسن، (۱۳۹۰)، قابلیت استناد قرارداد، (در حقوق ایران با مطالعه تطبیقی در حقوق فرانسه و مصر)، دانشگاه امام صادق (ع)، تهران، چاپ اول.
- ۴- اصفهانی، محمد حسین، (۱۴۱۸)، حاشیه کتاب مکاسب، جلد ۵، أنوارالهدی، قم، چاپ اول.
- ۵- انصاری، مرتضی، (۱۴۱۵)، مکاسب، جلد ۶، کنگره جهانی بزرگداشت شیخ اعظم انصاری، قم، چاپ اول.
- ۶- انصاری، مرتضی، (۱۴۱۴)، رسائل فقهیه، المؤتمر العالمی بمناسبه الذکری المئویه الثانیه لمیلاد الشیخ الأنصاری، قم، چاپ اول.
- ۷- ابروانی غروی، میرزا علی، (۱۴۲۱)، حاشیه کتاب مکاسب، الخیارات، جلد ۳، تحقیق باقر فخار اصفهانی، دار ذوی القربی، بی‌جا، چاپ اول.
- ۸- بروجردی، آقا حسین طباطبایی، (۱۴۱۳)، تقریرات ثلاث (للبروجردی)، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، قم، چاپ اول.
- ۹- بهرامی احمدی، حمید، (۱۳۸۸)، حقوق مدنی ۴، مسؤولیت مدنی، میزان، تهران، چاپ اول.
- ۱۰- جابری، عصمت‌الله، (۱۳۸۶)، حقوق مصرف‌کننده، دادیار، اصفهان، چاپ اول.

- ۱۱- جعفری تبار، حسن، (۱۳۸۹)، مسؤولیت مدنی کالاها، دادگستر، تهران، چاپ اول.
- ۱۲- جعفری لنگرودی، محمد جعفر، (۱۳۷۲)، دوره‌ی حقوق مدنی، حقوق تعهدات، جلد ۱، انتشارات دانشگاه تهران، تهران، چاپ سوم.
- ۱۳- حسینی مراغی، سید میرعبدالفتاح، (۱۴۱۸)، العناوین الفقہیہ، جلد ۱ و ۲، مؤسسه نشر اسلامی، قم، چاپ اول.
- ۱۴- حسینی عاملی، سید جواد بن محمد، (۱۴۱۹)، مفتاح الکرامه فی شرح قواعد العلامه، جلد ۱۳، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، چاپ اول.
- ۱۵- خوئی، سید ابوالقاسم، (۱۳۸۶)، مصباح‌الاصول، جلد ۲، تقریرات توسط سید محمد سرور الواعظ الحسینی البهسودی، مطبعه النجف.
- ۱۶- زورند، پاتریس، (۱۳۸۲)، اصول مسؤولیت مدنی، ترجمه مجید ادیب، میزان، تهران، چاپ اول.
- ۱۷- سیفی مازندرانی، علی اکبر، (۱۴۲۷)، دلیل تحریر الوسیله - المضاربه، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی قدس سره، تهران، چاپ اول.
- ۱۸- شمس، عبدالله، (۱۳۸۹)، آیین دادرسی مدنی، دوره‌ی پیشرفته، جلد ۱ و ۳، دراک، تهران، چاپ بیست و چهارم.
- ۱۹- شهیدی، مهدی، (۱۳۸۵)، مجموعه مقالات حقوقی، مجد، تهران، چاپ اول.
- ۲۰- شهیدی، مهدی، (۱۳۸۶)، حقوق مدنی، آثار قراردادهای و تعهدات، جلد ۳، مجد، تهران، چاپ سوم.
- ۲۱- شهید ثانی، زین الدین بن علی، (۱۴۱۰)، الروضه البهیة فی شرح اللمعه الدمشقیة، جلد ۷، کتابفروشی داوری، قم، چاپ اول.
- ۲۲- صافی گلپایگانی، لطف الله، (۱۴۲۳)، فقه الحج، جلد ۱، مؤسسه حضرت معصومه سلام الله علیها، قم، چاپ دوم.
- ۲۳- صدرزاده افشار، سید محسن، (۱۳۸۷)، آیین دادرسی مدنی و بازرگانی، (دادگاه‌های عمومی و انقلاب)، انتشارات جهاد دانشگاهی واحد علامه طباطبایی، تهران، چاپ دهم.
- ۲۴- صفایی، سید حسین و رحیمی، حبیب الله، (۱۳۸۹)، مسؤولیت مدنی، (الزامات خارج از قرارداد)، سمت، تهران، چاپ اول.
- ۲۵- طاهری، حبیب الله، (۱۴۱۸)، حقوق مدنی، جلد ۲، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، قم، چاپ دوم.
- ۲۶- طباطبایی یزدی، سید محمد کاظم، (۱۴۲۱)، حاشیه المکاسب، جلد ۱ و ۲، اسماعیلیان، قم، چاپ دوم.
- ۲۷- طباطبایی یزدی، سید محمد کاظم، (بی‌تا)، تکمله العروه الوثقی، جلد ۱، مکتبه الداوری، قم.

- ۲۸- علامه حلی، حسن بن یوسف بن مطهر اسدی، (۱۴۱۴)، تذکره الفقهاء، جلد ۱۵، مؤسسه آل البيت عليهم السلام، قم، چاپ اول.
- ۲۹- عیسائی تفرشی، محمد و پورسید، بهزاد، (۱۳۷۹)، اجبار به انجام دادن عین تعهد، (ضمانت اجرای نقض تعهدات در حقوق تطبیقی)، فصلنامه‌ی علمی- پژوهشی دانشگاه شاهد، دوره ۷، شماره ۲۸، صص ۱۰۳-۱۱۱.
- ۳۰- فاضل لنکرانی، محمد، (۱۴۱۶) القواعد الفقهيّه، چاپخانه مهر، قم، چاپ اول.
- ۳۱- فخر المحققين حلی، محمد بن حسن، (۱۳۸۷)، إيضاح الفوائد فی شرح مشکلات القواعد، جلد ۲، مؤسسه اسماعیلیان، قم، چاپ اول.
- ۳۲- قبولی درافشان، سید محمد مهدی و محسنی، سعید، (۱۳۹۱)، نظریه‌ی عمومی بطلان در قراردادهای (مطالعه-ی تطبیقی در حقوق ایران و فرانسه)، جنگل، تهران، چاپ اول.
- ۳۳- کاتوزیان، ناصر، (۱۳۷۱)، حقوق مدنی، دوره‌ی عقود معین، جلد ۱، شرکت انتشار با همکاری بهمن برنا، بی‌جا، چاپ چهارم.
- ۳۴- کاتوزیان، ناصر، (۱۳۸۱)، مسؤولیت ناشی از عیب تولید، انتشارات دانشگاه تهران، تهران، چاپ اول.
- ۳۵- کریمی، عباس، (۱۳۸۶)، آیین دادرسی مدنی، مجد، تهران، چاپ اول.
- ۳۶- کاشف‌الغطاء، حسن بن جعفر، (۱۴۲۲)، أنوار الفقاهه - کتاب البیع، مؤسسه کاشف‌الغطاء، نجف اشرف، چاپ اول.
- ۳۷- متین دفتری، (۱۳۸۱)، احمد، آیین دادرسی مدنی و بازرگانی جلد ۱ و ۲، مجد، تهران، چاپ دوم.
- ۳۸- محقق ثانی، علی بن حسین، (۱۴۱۴)، جامع المقاصد فی شرح القواعد، جلد ۴، مؤسسه آل البيت عليهم السلام، قم، چاپ دوم.
- ۳۹- محقق داماد، سید مصطفی، (۱۳۷۴)، قواعد فقه، بخش مدنی ۲، سمت، تهران، چاپ اول.
- ۴۰- محقق داماد، سید مصطفی، (۱۳۸۸)، نظریه عمومی شروط و التزامات در حقوق اسلامی، مرکز نشر علوم اسلامی، تهران، چاپ اول.
- ۴۱- مدنی، سید جلال‌الدین، (۱۳۷۶)، آیین دادرسی مدنی، پایدار، بی‌جا، چاپ اول.
- ۴۲- مصطفوی، سید محمد کاظم، (۱۴۲۳)، فقه المعاملات، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، قم، چاپ اول.
- ۴۳- مکارم شیرازی، ناصر، (۱۴۱۱)، القواعد الفقهيّه، جلد ۲، مدرسه امام امیر المؤمنین (ع)، قم، چاپ سوم.
- ۴۴- موسوی بجنوردی، سید میرزا حسن، (۱۴۱۹)، القواعد الفقهيّه، جلد ۱ و ۲، الهادی، قم، چاپ اول.
- ۴۵- موسوی خمینی، سید روح‌الله، (۱۴۰۹)، تحریر الوسیله، جلد ۲، اسماعیلیان، قم، چاپ دوم.

- ۴۶- موسوی گلپایگانی، سید محمد رضا، (۱۴۱۴)، هدایه العباد، جلد ۲، دارالقرآن کریم، قم.
- ۴۷- میرزائزاد جویباری، اکبر. (۱۳۸۹). امکان ابطال قرارداد معارض در حقوق ایران و انگلیس. در کتاب حقوق مدنی تطبیقی، به قلم گروهی از مؤلفان، سمت و انتشارات دانشگاه تهران، تهران، چاپ سوم.
- ۴۸- نائینی، محمد حسین، (۱۴۲۱)، منیه الطالب فی شرح المکاسب، (تقریرات توسط شیخ موسی خوانساری)، جلد ۳، مؤسسه نشر اسلامی، قم، چاپ اول.
- ۴۹- نجفی، محمد حسن. (۱۴۰۴)، جواهرالکلام فی شرح شرایع الاسلام، جلد ۴۳، دار احیاء التراث العربی، بیروت، چاپ هفتم.
- ۵۰- نراقی، مولی احمد بن محمد مهدی، (۱۴۱۵)، مستند الشیعه فی أحكام الشریعه، جلد ۱۴، مؤسسه آل البیت علیهم السلام، قم، چاپ اول.
- ۵۱- نعمت‌اللهی، اسماعیل، (۱۳۸۸)، ضمانت اجرای شرط فعل حقوقی، حقوق اسلامی، شماره ۲۳.

52- Couches, G., Langlade, J. et Lebeau, D. (1998). *procédure civile*, Paris, Dalloz.

53- Flour, J., Aubert, J. et Savaux, É. (2002). *Les obligations, L'acte juridique*, Paris: Armand Colin et Delta, 2 éd.

54- Marty, G. et Raynaud, P. (1988). *Droit civil, les obligations*, T. 1, Paris: Sirey, 2 éd.